



# امنیت غیرنظامیان در منازعات مسلحانه از منظر قرآن و سنت معصومین علیهم السلام و مقایسه آن با دیدگاه عهدین

دریافت: ۱۴۰۲/۱/۲۲ پذیرش: ۱۴۰۲/۴/۲۲

محمد صحاف کاشانی<sup>۱</sup>

## چکیده

بشر از دیرباز به دنبال وضع قوانینی برای کاهش آسیب‌های منازعات مسلحانه به خصوص بر غیرنظامیان بوده است. در دنیای مدرن این اصول در قالب قوانین «حقوق بشر دوستانه بین المللی» یا «حقوق جنگ» در کنوانسیون‌های مختلف به تصویب رسید که مهم‌ترین آن کنوانسیون چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ م. است. بخشی از این قوانین مربوط به حفاظت از زنان، کودکان و غیرنظامیان است. در این تحقیق درصدد بررسی مسئله حفاظت از جان غیرنظامیان به خصوص کودکان و زنان در منازعات مسلحانه از منظر متون مقدس اسلام و مسیحیت و همچنین دیدگاه‌های الهی دانان مسلمان و مسیحی هستیم. هدف از این پژوهش نشان دادن این مسئله است که قوانین مدرن حقوق بشر دوستانه تا چه میزان ریشه در متون مقدس اسلام یا مسیحیت دارد. روش پژوهش در این تحقیق مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و بررسی متون مقدس و الهیات دودین اسلام و مسیحیت است. طبق نتایج این تحقیق گرچه در متون مقدس اسلام و مسیحیت به خصوص در عهد عتیق تفاوت چشمگیری در خصوص رعایت حقوق غیرنظامیان دیده می‌شود ولی این تفاوت در فتوای الهی دانان مسلمان و مسیحی کمتر می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** اخلاق جنگ، غیرنظامیان، زنان، کودکان، قرآن، بایبل.

## ۱. مقدمه

یکی از دغدغه‌های مهم بشر از دیرباز وضع قوانینی برای کاهش جنگ‌ها بوده است. در طول تاریخ اندیشمندان مسلمان و مسیحی اقدام به صدور فتوا، قانون یا مصوبه کرده‌اند تا قوانینی بشردوستانه برای کاستن از آسیب‌های جنگ وضع کنند و جنگ‌جویان را ملزم به رعایت این اصول اخلاقی در جنگ‌ها بنمایند. این قوانین بیشتر از دستورهای دینی در متون مقدس اسلام و مسیحیت سرچشمه می‌گیرد. پس از پایان جنگ دوم جهانی در تاریخ ۲۱ آوریل تا ۱۲ اگوست ۱۹۴۹، کنفرانسی با حضور نمایندگان ۶۳ کشور برگزار شد و چهار کنوانسیون ژنو (Geneva Conventions) ۱۹۴۹ به تصویب رسید و به‌مرور ۱۹۶ دولت این کنوانسیون‌ها را پذیرفتند و بعدها چندین مصوبه پروتکل‌های الحاقی به این کنوانسیون‌های اضافه شد. این قوانین امروزه به نام «حقوق بشر دوستانه بین‌المللی» (International humanitarian law) شناخته می‌شود.

در مواد ۱۴، ۷۶ و ۹۱ کنوانسیون چهارم ۱۹۴۹ ژنو و پروتکل الحاقی آن آمده است که زنان باید از هرگونه تعرض مصون و مورد احترام طرف‌های درگیر باشند.

در ماده ۵۱ پروتکل الحاقی اول، حمله‌های کور و بدون تمایز یعنی حمله‌های بدون توجه به یک هدف نظامی معین یا حمله‌هایی که آثار نامحدود دارند، اعمال تهدیدهای خشونت‌آمیز، ایجاد وحشت و اقدام تلافی‌جویانه در حق سکنه غیرنظامی ممنوع است؛ همچنین در رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری با نام «مشروعیت تهدید یا استفاده از تسلیحات هسته‌ای» (۸ ژوئیه ۱۹۹۶) پاراگراف ۷۸ و ۹۲ بر این امر تأکید کرد که دولت‌ها حق ندارند غیرنظامیان را هدف قرار دهند. این قوانین مدرن حقوق بشردوستانه در متون مقدس ادیان ریشه دارد و الهی‌دانان مسیحی نیز بر اهمیت این مسئله تأکید ویژه‌ای دارند.

### ۱-۱. پیشینه تحقیق

در این زمینه تاکنون تحقیقات ارزشمندی صورت گرفته است. از جمله حر عاملی

(۱۴۰۹ق)، امامی (۱۳۹۵)، لطفی، (۱۳۹۱)، Cockayne, J. (2002) به این موضوع پرداخته‌اند.

همچنین در مسیحیت (Thomas More, 2001) و (Eyffinger, Arthur, 2003) و (2021), Ibezim, Emmanuel) از جمله آثاری است که به بررسی حقوق غیرنظامیان در جنگ پرداخته‌اند.

انجام این پژوهش از آن رو اهمیت دارد که می‌تواند ایمانداران مسلمان و مسیحی را به رعایت قوانین بشردوستانه در منازعات مسلحانه تشویق کند و از آسیب‌های این منازعات در صورت وقوع بکاهد. همچنین نشان می‌دهد که قوانین مدرن بشردوستانه بیش از آنکه ریشه در متون مقدس مسیحی داشته باشد، از متون مقدس اسلامی اقتباس شده است. این تحقیق همچنین با تقویت هم‌افزایی بین ادیان در مقابله با جریان آنتیسم و ضد دین در جهان می‌تواند باب گفت‌وگو و هم‌افزایی با مسیحیان در حوزه حقوق بشردوستانه پیرو دستور قرآن بر تعامل در کلام مشترک را بگشاید.

سوال اصلی این تحقیق این است که وجوه اشتراک و افتراق متون مقدس اسلام و مسیحیت درباره حقوق بشردوستانه چیست؟

نتایج این تحقیق نشان خواهد داد که داده‌های متون مقدس اسلام در زمینه حقوق بشردوستانه جامع‌تر و کاربردی‌تر از داده‌های متون مقدس مسیحیت در این باره است و دین اسلام حتی با پذیرش اقتضائات جهان مدرن و با صرف نظر از حقانیت منطقی آن، کاربردی‌ترین، اخلاقی‌ترین و جامع‌ترین دین شمرده می‌شود.

## ۲. مسیحیت

متن مقدس مسیحیان بائبل (bible) یا عهدین نامیده می‌شود که از دو بخش عهد عتیق و عهد جدید تشکیل شده، عهد عتیق ۳۹ کتاب و عهد جدید مجموعه ۲۷ کتاب است.

طبق بایبل تمامی آن به الهام خداوند است (دوم تیموتائوس، ۳: ۱۶) و مسیحیان ضمن پذیرش عهد جدید به عهد عتیق نیز به عنوان کلام لاینفک الهی اعتقاد دارند (129-121 Paul II 1994, Paragraph). در ادامه به بررسی مسئله امنیت غیرنظامیان در متون مقدس و دیدگاه‌های الهی‌دانان مسیحی خواهیم پرداخت.

## ۲-۱. امنیت غیرنظامیان از دیدگاه متون مقدس و الهی‌دانان مسیحی

عهد عتیق راوی حدود ۲۹۴ جنگ است که حدود ۱۷۰ جنگ به فرمان مستقیم خداوند انجام شده است (رک: کاشانی، ۱۳۹۸: ۳۲۰)؛ اما خداوند دشمنان را به دو بخش تقسیم می‌کند: بخشی مربوط به شهرهایی که از بنی اسرائیل دور هستند (ساکنان غیرسرزمین موعود) در تورات بیان شده: ابتدا آن‌ها را با صلح ندا کن اگر دروازه‌های شهر را گشودند آن‌ها به تو جزیه بدهند و تو را خدمت کنند ولی اگر با تو وارد جنگ شدند با آن‌ها بجنگ و تمامی مردان آن‌ها را بکش و زنان و کودکان‌شان را و بهایم و اموال‌شان را به تاراج ببر (تثنیه ۲۰: ۱۰-۱۴) ولی اگر این افراد در سرزمین موعود ساکن هستند همگی آن‌ها اعم از مرد و زن و کودک و حتی حیوانات‌شان باید کشته شوند. یهوه در سفر تثنیه به حضرت موسی می‌فرماید: «اما از شهرهای این امت‌هایی که یهوه خدایت تو را به ملکیت می‌دهد هیچ ذی‌نفس را زنده مگذار، بلکه ایشان را یعنی حتیان و اموریان و کنعانیان و فرزندان و حویان و بیوسیان را چنانکه یهوه خدایت تو را امر فرموده است بالکل هلاک ساز، تا شما را تعلیم ندهند که موافق همه رجاساتی که ایشان با خدایان خود عمل می‌نمودند عمل نمایید. و به یهوه خدای خود گناه کنید» (تثنیه ۲۰: ۱۰-۱۸).

حضرت موسی وقتی در کوه هورا با عمالیق جنگید خداوند به موسی فرمود: «این را برای یادگاری در کتاب بنویس و به سمع ایشان برسان که هر آینه ذکر عمالیق را از زیر آسمان محو خواهیم ساخت» (خروج ۱۷: ۱۴).

در سفر تثنیه خدا به این وعده‌اش عمل می‌کند و به موسی می‌فرماید: «پس چون یهوه خدایت تو را در زمینی که یهوه، خدایت، تو را برای تصرفش نصیب می‌دهد، از

جمعیت دشمنانت آرامی بخشد، آن‌گاه ذکر عمالیق را از زیر آسمان محوساز و فراموش مکن» (تثنیه ۲۵: ۱۷-۱۹).

در بایبل همچنین دستور داده شده با برخی از اقوام مغلوب معاهده صلح نبندید بلکه ایشان را به‌طور کلی نابود کنید. کتاب تثنیه بیان می‌کند: «زمانی که خداوند، خدایتان آن‌ها (حیتی‌ها، جرجاشی‌ها، اموری‌ها، کنعانی‌ها، فرزی‌ها، حوی‌ها و یبوسی‌ها) را به شما تسلیم کند و شما آن‌ها را مغلوب نمایید، باید همه آن‌ها را بکشید. با آن‌ها معاهده‌ای نبندید و به آن‌ها رحم نکنید، بلکه ایشان را به کلی نابود سازید» (تثنیه ۷: ۱-۲). همچنین در کتاب مقدس با تاکید بیشتر نیز می‌فرماید: «تمامی قوم‌هایی را که خداوند، خدایتان به‌دست شما گرفتار می‌سازد نابود کنید. به ایشان رحم نکنید» (تثنیه ۷: ۱۶).

زمانی که بنی اسرائیل از فرمان خداوند مبنی بر کشتن زنان و اطفال مدیانیان خودداری کردند، در حالی که طبق دستور سفر تثنیه می‌بایست تمامی ایشان را می‌کشتند و در این مورد دختران باکره از کشته شدن استثنا می‌شوند و موسی چنین دستور داد: «پس الان هر ذکوری از اطفال را بکشید و هر زنی را که مرد را شناخته، بکشید و از زنان هر دختری را که مرد را شناخته، برای خود زنده نگاه دارید» (اعداد ۳۱: ۱۷-۱۸).

بعد از زمان موسی و یوشع هنگامی که خداوند به وسیله سموئیل تاج پادشاهی را بر سر شائول نهاد، به وی دستور داد: «حال برو و مردم عمالیق را قتل عام کن. بر آن‌ها رحم نکن، بلکه زن و مرد و طفل شیرخواره، گاو و گوسفند، شتر و الاغ، همه را نابود کن» (اول سموئیل ۱۵: ۳).

حزقیال در یکی مکاشفه‌هایش می‌بیند که شش مرد شمشیر به‌دست به همراه یک مرد با لباس کتانی وارد اورشلیم شدند. مرد با لباس کتانی بر پیشانی کسانی که از گناهان آه و ناله می‌کردند نشانی گذاشت و سپس خداوند به آن شش مرد فرمود: «در عقب او از شهر بگذرید و هلاک سازید و چشمان شما شفقت نکند و ترحم ننماید. پیران و جوانان و دختران و اطفال و زنان را تماماً به قتل رسانید، اما به هر کسی که این نشان را دارد نزدیک مشوید و از قدس من شروع کنید.» پس از مردان پیری که پیش خانه بودند شروع کردند

و سپس به ایشان فرمود: «بروید حیات معبد را از کشته‌ها پر کنید» (حزقیال ۹: ۵-۶).

در اشعیا نیز بیان شده است که: «برای پسرانش به سبب گناه پدران ایشان قتل را مهیا سازید، تا ایشان برنخیزند و در زمین تصرف نمایند و روی ربع مسکون را از شهرها پر نسازند» (اشعیا ۱: ۲۱).

ارمیا نیز در باره قیدار می‌گوید خدا بر آن‌ها چنین حکم کرده که: «بر مردم قیدار هجوم بیاورید و این ساکنین مشرق زمین را از بین ببرید. گله و رمه و خیمه‌های ایشان و هر چه را در آن‌هاست بگیرید و تمام شترهایشان را ببرید» (ارمیا ۴۹: ۲۸-۲۹).

همچنین ارمیا حکم خدا درباره بابل را بیان می‌کند: «ای مردان جنگی، برضد سرزمین مراتیم و اهالی فقود برخیزید! همچنان که دستور داده‌ام، همه را بکشید و از بین ببرید. بگذارید فریاد جنگ و ناله نابودی از آن سرزمین برخیزد!» (ارمیا ۵۰: ۲۱-۲۲) «من اسلحه خانه خود را گشوده و اسلحه خشم و غضب خود را بیرون آورده‌ام! من با مردم بابل کار دارم! از سرزمین‌های دوردست به جنگ بابل بیایید! انبارهای غله‌اش را خالی کنید؛ دیوارهایش را فرو ریزید، خانه‌هایش را ویران سازید؛ همه جا را با خاک یکسان کنید؛ چیزی باقی نگذارید! سربازانش را بکشید، همه را از دم تیغ بگذرانید. وای بر حال بابلی‌ها! زمان نابودی‌شان فرا رسیده است!» (ارمیا ۵۰: ۲۵-۲۷).

در عهد جدید نیز عیسای مسیح درباره ماموریتش توضیح می‌دهد که: «گمان مبرید که آمده‌ام تا سلامتی بر زمین بگذارم؛ نیامده‌ام تا سلامتی بگذارم بلکه شمشیر را» (متی ۱۰: ۳۴-۳۶). اما در مقابل در باره تعامل با دشمن نیز می‌فرماید:

«شنیده‌اید که گفته شده، همسایه‌ات را محبت نما و با دشمنت دشمنی کن. اما من به شما می‌گویم دشمنان خود را محبت نمایید و برای آنان که به شما آزار می‌رسانند، دعای خیر کنید» (متی ۵: ۴۳-۴۴).

در میان الهی دانان مسیحی نیز تفاوت دیدگاهی درباره حفاظت از جان غیر نظامیان در جنگ وجود دارد. از جمله هوگو گروتیوس معتقد است: «اتباع و رعایای دشمن، یعنی

کسانی که علت ثابت و پابرجایی در مورد تابعیت آن‌ها در خاک دشمن وجود دارد را می‌توان طبق قانون ملل در هر کجا که باشند مورد حمله و صدمه قرار داد. ... دامنه این حق حتی زن‌ها و بچه‌ها را نیز در برمی‌گیرد. حتی اسرای جنگی نیز از مجوز صدمه زدن مستثنا نیستند» (رایشبرگ و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۶۶-۶۶۷). وی البته در ادامه بیان می‌کند: «حتی در مورد دشمنان مستحق مرگ نیز می‌توان عادلانه مجازات را بخشید. باید تا حد امکان مراقب کشته شدن افراد بی‌گناه حتی به‌طور غیرعمدی بود. جان بچه‌ها، پیرمردها و زنانی که به جرم سنگینی متهم نیستند باید حفظ شود. جان کسانی که شغل آن‌ها صرفاً دینی یا ادبی است نیز باید حفظ شود» (همان: ۶۷۲-۶۷۳).

فرانسیسکو ویتوریا در کتاب پیرامون قانون جنگ می‌نویسد: «هرگز به خودی خود قانونی و مشروع نیست که افراد بی‌گناه کشته شوند. دلیل این مطلب در وهله نخست نکته‌ای است که در سفر خروج ۲۳: ۷ آمده است: «بی‌گناه و صالح را به قتل مرسان»؛ بنابراین کشتن یک فرد بی‌گناه از جبهه دشمن نیز به‌خاطر صدمه و زبانی که افراد شورو و بدکار جناح دشمن وارد کرده‌اند، کار درستی نیست» (de Vitoria, 1991: p141). وی همچنین بیان می‌کند: «شرعاً نمی‌توان مسافران یا بازدیدکنندگان را که تصادفاً در آن ایام در خاک دشمن بوده اند کشت؛ چون آن‌ها نیز بی‌گناه دانسته می‌شوند» (Ibid: p 314).

توماس مور نیز در کتاب اتوپیا، ضمن توصیف آرمان‌شهر و اهالی آن می‌نویسد: «... آنان به هیچ شهروند غیرمسلحی به غیر از جاسوسان صدمه نمی‌زنند. به شهرهایی که تسلیم شدند عفو می‌دهند و حتی شهرهایی را که با محاصره فتح کردند غارت نمی‌کنند. در عوض کسانی را که مانع تسلیم این شهرها شده‌اند، اعدام می‌کنند. سپس بقیه مدافعان شهر را به بردگی می‌گیرند، لیکن به مردم غیرنظامی شهر کاری ندارند» (115-113 pp: More, 2001). توماس مور نیز در کتاب اتوپیا، ضمن توصیف آرمان‌شهر و اهالی آن می‌نویسد: «چنانچه اهالی آرمان‌شهر (اتوپیا) به پیروزی دست یابند مردم مغلوب را قتل عام نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند طرف‌تخاصم را دستگیر کنند. آنان هیچ‌گونه سختی‌ای بر غیرنظامیان تحمیل نمی‌کنند» (ibid).

## ۱-۱-۲. تعامل با غیرنظامیان در جنگ‌های عهد عتیق

بنی اسرائیل طبق دستورهای خداوند بر کشتن زنان و کودکان در عهد عتیق اقدام به لشکرکشی و کشتار دشمنان کردند؛ از اولین نسل‌کشی‌های مذکور در عهد عتیق حمله بنی اسرائیل به فرماندهی حضرت موسی به اموریان است. این جنگ به علت نبود اجازه ورود اموریان به بنی اسرائیل برای گذر از سرزمین‌شان رخ داد بنی اسرائیل پیروز شدند در تورات نقل شده است:

خداوند، خدایمان او را به ما تسلیم کرد و ما او را با تمام پسران و افرادش کشتیم و تمامی شهرهایش را به تصرف خود درآورده، همه مردان و زنان و اطفال را از بین بردیم. به غیر از گله‌هایشان، موجود دیگری را زنده نگذاشتیم (اعداد، ۲۱: ۲۱-۲۵؛ تثنیه، ۲: ۲۶-۳۷).

در ادامه پیشروی‌ها، حضرت موسی و قومش به سرزمینی به نام «باشان» رسیدند این منطقه سرزمینی دارای ۶۰ شهر حصار دار و صدها روستا بود در تورات بیان شده است:

پس یهوه، خدای ما، عوج، پادشاه باشان را نیز و تمامی قومش را به دست ما تسلیم کرده، او را به حدی شکست دادیم که احدی برای وی باقی نماند... و آنان را به کلی هلاک کردیم، چنان‌که با سیحون، ملک حشبون، کرده بودیم؛ هر شهر را با مردان و زنان و اطفال هلاک ساختیم. و تمامی بهایم و غنیمت شهرها را برای خود به غارت بردیم (تثنیه، ۳: ۱-۷).

بنی اسرائیل در ادامه به سرزمین مدیانیان رسیدند. تورات نقل می‌کند:

تمامی مردان مدیان در جنگ کشته شدند. آن وقت سپاه اسرائیل تمام زنان و بچه‌ها را به اسیری گرفته،... آنان اسیران و غنایم جنگی را پیش موسی و العازار کاهن و بقیه قوم اسرائیل آوردند؛ ولی موسی بر فرماندهان سپاه خشمگین شد و پرسید: «چرا زن‌ها را زنده گذاشته‌اید؟... پس تمامی پسران و زنان شوهردار را بکشید. فقط دخترهای باکره را برای خود زنده نگه‌دارید.»

سپس حضرت موسی غنایم را بین بنی اسرائیل و سپاهیان به نصف تقسیم کرد که شامل ۳۲ هزار دختر باکره بود (اعداد، ۳۱: ۱-۵۲).

بعد از حضرت موسی، حضرت یوشع رهبری بنی اسرائیل را به عهده می‌گیرد. اولین شهری که یوشع با آن برخورد کرد، شهر اریحا بود. عهد عتیق درباره اشغال اریحا می‌نویسد:

آن‌گاه قوم صدا زدند و گریه‌ها را نواختند. و چون قوم آواز گریه را شنیدند و قوم به آواز بلند صدا زدند، حصار شهر به زمین افتاد و قوم شهر را گرفتند. و هر آنچه در شهر بود از مرد و زن و جوان و پیر و حتی گاو و گوسفند و الاغ را به دم شمشیر هلاک کردند (یوشع، ۶).

یوشع پس از آن به شهر عای حمله می‌کند و همه مردان و زنان و اطفال عالی را می‌کشد در صحیفه یوشع آمده. «همه آنانی که در آن روز از مرد و زن افتادند، دوازده هزار نفر بودند؛ یعنی تمامی مردمان عای» (یوشع، ۸: ۱-۲۹).

یوشع پس از آن به شهرهای جنوب فلسطین مقیده، لبنه، عجلون و ... حمله می‌کند و پادشاه و همه ساکنانش را می‌کشند، به طوری که یک نفر هم زنده باقی نماند (یوشع، ۱۰: ۲۸-۴۳).

عهد عتیق در ادامه بیان می‌کند که پس از نابودی کلیه ساکنان شهرهای جنوبی فلسطین به شهرهای شمالی حمله می‌کند ابتدا شهر حاصور را تسخیر کرد و پادشاه آن را کشت. یوشع تمام کسانی را که در آن شهر بودند، کشت و شهر را به آتش کشید. سپس به سایر شهرهای پادشاهان مغلوب حمله برد و چنان که موسی، خدمتگزار خداوند، به او گفته بود، تمام ساکنان آنجا را قتل عام کرد. قوم اسرائیل تمام حیوانات و ثروت شهرهای ویران شده را به غنیمت بردند و همه اهالی آنجا را کشتند (یوشع، ۱۱: ۱-۲۳).

پس از یوشع، بنی اسرائیل حدود ۳۰۰ سال دولت مرکزی نداشتند و قبایله‌ای اداره می‌شدند. خداوند در این مدت چندین داور<sup>۱</sup> برای رهایی بنی اسرائیل انتخاب کرد. در

۱. در کتاب داوران نام ۱۲ داور برده شده است؛ اما در کتاب اول سموئیل و اول تواریخ نام چند داور دیگر نیز آمده است.

عصر داوران جنگ‌های خونین زیادی درگرفت از جمله قبیله دان برای سکونت در فلسطین به شهر لایش حمله کردند و تمام ساکنان شهر را کشتند، شهر را به آتش کشیدند. سپس شهر را بنا کردند، در آن ساکن شدند (داوران، ۱۸) و بعد از آنکه جوانان قبیله بنیامین به زنی تجاوز کردند و او را کشتند، سایر قبایل بنی اسرائیل با هم متحد شدند و در چندین جنگ تمامی ساکنین بنیامین را (به جز ۶۰۰ مرد که فرار کردند) اعم از مرد و زن و کودک کشتند. در سفر داوران می‌نویسد:

«و مردان اسرائیل بر بنیامینیان برگشته، ایشان را به دم شمشیر کشتند، یعنی تمام اهل شهر و بهایم و هر چه را که یافتند؛ و همچنین همه شهرهایی را که به آنان رسیدند، به آتش سوزانیدند» (داوران، ۱۹، ۲۰).

و بعد از کشتار از کار خود پشیمان شدند زیرا یک قبیله از قبایل بنی اسرائیل کم شده بود و وقتی سرشماری کردند دیدند برای این جنگ از قبیله جلعاد کسی نیامده بود و لذا به قبیله جلعاد حمله کردند و همه مردان و پسران و زنان غیر باکره ایشان را کشتند و تنها ۴۰۰ دختر باکره که با مردی نخواستند و مردی را نشناخته بودند، یافتند و...» و آن‌ها را برای صلح به باقی ماندگان قبیله بنیامین دادند (داوران ۲۱).

در خور ذکر است از منظر اسلام این وقایع خشونت‌بار جزو تحریفات عهد عتیق است و گرچه قرآن در بیش از صدها آیه به ذکر داستان حضرت موسی پرداخته است؛ ولی در قرائت قرآن از داستان‌های انبیا هیچ نشانی از این کشتارها و نسل‌کشی‌های گسترده وجود ندارد و انبیا معصوم هستند و هیچ‌گاه کودکان و زنان بی‌گناه را قبل از جنایت مستحق مرگ نمی‌دانند.

## ۲-۱-۲. آمار تلفات غیرنظامیان در جنگ‌های عهدین

اگر بخواهیم آماری از مناطقی که نسل‌کشی می‌شود داشته باشیم، عبارت است از:

جنگ‌های عصر آدم تا یعقوب: قتل عام مردان حوی ساکن شکیم (پیدایش ۳۵: ۱-۹)

جنگ‌های عصر موسی: قتل عام سرزمین حوری‌ها (تثنیه، ۲: ۱۲ و ۲۲)؛ سرزمین رفائی‌ها (تثنیه، ۲: ۲۱)؛ سرزمین عویان (تثنیه، ۲: ۲۳)؛ سرزمین عراد (اعداد، ۱: ۳-۲۱)؛ تمام شهرهای اموری‌ها از عروغیر تا جلعاد (اعداد، ۲۱: ۲۱-۲۵)؛ یعزیر و روستاهای اطراف (اعداد، ۲۱: ۳۱-۳۲)؛ ۶۰ شهر باشان و ناحیه ارجوب و آبادی‌های اطراف (تثنیه، ۳: ۷-۱)؛ همه شهرهای مدیانیان (اعداد، ۳۱: ۱-۵۲)

جنگ‌های عصر یوشع: قتل عام مردم اریحا (یوشع ۶)؛ عای «۱۲۰۰۰ نفر» (یوشع، ۸: ۱-۲۹)؛ مقیده (یوشع، ۱۰: ۲۸)؛ لینه (یوشع، ۱۰: ۲۹-۳۰)؛ لاخلش (یوشع، ۱۰: ۳۱-۳۳)؛ عجلون (یوشع، ۱۰: ۳۴-۳۵)؛ حبرون و آبادی‌های اطراف (یوشع، ۱۰: ۳۶-۳۷)؛ دبیر و دهکده‌های اطراف (یوشع، ۱۰: ۳۸-۴۱)؛ همه نواحی کوهستانی صحرای نگب، تمام سرزمین جوشن، دشت‌ها، دره اردن، و دشت‌ها و کوه‌های اسرائیل؛ شهرهای جادر، حرمه، عراد، عدولام، بیت ئیل، تفوح، حافر، عفیق، لشارون، مرئون، تعناک، مجدو، قادش، نفعام (کوه کرمل)، دُر، قوئیم و ترصه (یوشع، ۱۱: ۱-۱۸)؛ کوهستان‌های حبرون، دبیر، عناب، یهودا و اسرائیل (یوشع، ۱۱: ۲۱-۲۲).

جنگ‌های عصر داوران: قتل عام ساکنین اورشلیم (داوران ۱: ۱-۱۱)؛ صفت (داوران ۱: ۱۷)؛ غزه، اشقلون، عقرون و روستاهای اطراف (داوران ۱: ۱۸)؛ بیت‌ئیل (داوران ۱: ۲۲)؛ شکیم (داوران ۹: ۲۲-۴۹)؛ کشتار فراوان ساکنان ۲۰ شهر عمونی‌ها (داوران ۱: ۱-۳۳) لایش (داوران ۱۸: ۱-۲۸)؛ یابیش جلعاد (داوران ۲۱: ۱-۱۲)

جنگ‌های عصر پادشاهان: قتل عام سرزمین عمالیقی‌ها (اول سموئیل ۱۵: ۱-۹)؛ نوب (اول سموئیل ۲۲: ۶-۲۰)؛ سرزمین قبایل جشوری و جِرزی و عمالیقی و جنوب یهودا، جنوب یرحَم ئیل و سرزمین قینی‌ها (اول سموئیل ۲۷: ۱-۱۱).

جنگ‌های عصر تجزیه و اسارت: قتل عام شهر تَفْصَح و حومه آن (دوم پادشاهان ۱۵: ۱۳-۱۶)؛ کل سرزمین حامی‌ها (اول تواریخ ۴: ۴۱)؛ سرزمین عمالیقی‌ها (اول تواریخ ۴: ۴۲)؛ فود (یهودیه بنت مراری ۲: ۱-۲۳)؛ لود (یهودیه بنت مراری ۲: ۱-۲۳).

جنگ‌های بعد از اسارت بابلی: کشتار فراوان در یهودیه (دوم مکابیان ۵: ۱۱-۵؛ اول مکابیان ۱: ۲۹-۴۰ و دوم مکابیان ۵: ۲۴-۲۷)؛ کشتار خدمتگزاران شمعون مکابی (اول مکابیان ۱۶: ۱۱-۱۷)؛ قتل عام ساکنان کسفس (دوم مکابیان ۱۲: ۱۳-۱۶)؛ قتل عام مردان و پسران بصوره (اول مکابیان ۵: ۲۷-۲۸)؛ قتل عام همه مردان و پسران عالما (اول مکابیان ۵: ۳۵)؛ برادران تیموتائوس و ساکنان قلعه جازر (دوم مکابیان ۱۰: ۲۴-۳۸)؛ ساکنان برج‌های اعراب بیان (اول مکابیان ۵: ۴-۵).

به‌طور کلی در کتاب مقدس تعداد ۱۱۶ شهر یا منطقه پاک‌سازی کامل شده‌اند و به جز ساکنان شهر عای تعداد ساکنین سایر شهرها ذکر نشده و اگر ۱۱۵ شهر باقی مانده راه‌کردام با روستاهای اطراف ۵۰ هزار نفر<sup>۱</sup> در نظر بگیریم، مجموع تعداد ساکنان ۱۱۵ شهر قتل عام شده، ۵/۷۵۰/۰۰۰ نفر است. این آمار تنها آمار تعداد کمی از کشته شدگان عهد عتیق است و برخی از این کشتارها کشتار یک قبیله بزرگ با چندین شهر بوده مانند کشتار قبیله جلعاد، قبیله مدیانیان یا «کشتار فراوان عمونی‌ها» یا «کشتار ۲۰ شهر عمونی» که با همین میانگین مجموع تلفات قتل عام‌های صورت گرفته به‌صورت تخمینی مجموع ۷/۴۱۲/۶۷۷ می‌شود. اگر این عدد را با احتساب ۲۴ لشکری که به‌صورت کلی قتل عام شدند و مواردی که به‌صوت جزئی تعداد آمار را بیان کرده است، می‌توان تخمین زد که تلفات در جنگ‌های عهد عتیق ۱۲/۷۸۱/۷۱۹ نفر شامل نظامیان و غیر نظامیان است (کاشانی، ۱۳۹۸: ۳۵۱).

همچنین در عهد جدید پیشگویی کشتار بزرگی پس از بازگشت مسیح از آسمان را می‌کند. حزقیال پیشگویی می‌کند: «این است بلایی که خداوند بر تمامی ملت‌هایی که با اورشلیم بجنگند، نازل خواهد کرد: گوشت تن آن‌ها در حالی که هنوز بر پاهای خود ایستاده‌اند خواهد پوسید، چشمان‌شان در حلقه فاسد خواهد شد و زبان در

۱. مبنای این محاسبه میانگین میان حداقل و حداکثر جمعیت شهر در آن دوره است. حداقل تعداد ساکنین یک شهر ساکنین شهر عای است که ۱۲ هزار سکنه داشته است (یوشع، ۸: ۲۵) و از طرفی در شهر عفرون تنها مردانش قتل عام شدند و مردان شهر نیز ۲۵ هزار نفر بودند (اول مکابیان ۵: ۴۶-۵۴) و اگر تعداد مردان یک چهارم جمعیت شهر باشد به‌طور میانگین جمعیت عفرون ۱۰۰ هزار نفر خواهد بود. با این حساب می‌توانیم بگوییم میانگین جمعیت هر شهر حدود ۵۰ هزار نفر است.

دهانشان تباه خواهد گشت» (حزقیال ۱۴: ۱۲).

اشعیا می نویسد: زیرا خداوند با آتش و شمشیر خود بر تمامی بشر داوری خواهد کرد و کشتگان خداوند بسیار خواهند بود» (اشعیا ۶۶: ۱۶).

حزقیال معتقد است: «در سرتاسر این سرزمین (فلسطین)، دو سوّم قطع شده، خواهند مرد و یک سوّم باقی خواهند ماند» (حزقیال ۱۳: ۸) و گوشت آن‌ها خوراک مرغان شکاری و حیوانات صحرا می شود (حزقیال ۳۹: ۴). هفت ماه دفن کردن باقی مانده اجسادشان به طول می انجامد (حزقیال ۳۹: ۱۲).

در کتاب مکاشفه سخن از کشتار یک سوم ساکنان زمین می کند (مکاشفه ۹: ۱۵) و در جای دیگری سخن از سیلابی گسترده از خون ساکنین زمین است و می گوید:

آن‌گاه همین که نظر کردم، ابری سفید پیش رویم بود و بر آن ابر یکی نشسته بود که به پسر انسان می مانست و تاجی از طلا بر سر داشت و داسی تیز در دست ... پس آن که بر ابر نشسته بود داسِ خویش بر زمین بگرداند و محصول زمین برداشت شد ... انگورهایی زمین را گرد آورد و در چرخش بزرگ خشم خدا ریخت. و انگورها در آن چرخش بیرون از شهر لگدکوب شد و از آن چرخش خون جاری شد و خون تا افسار اسبان بالا آمد، در مسافتی به گستره هزار و ششصد پرتاب تیر (۳۰۰ کیلومتر) (مکاشفه ۱۴: ۱۴-۲۰).

مکاشفه صحنه این اتفاق را چنین ترسیم می کند:

آن‌گاه فرشته‌ای را در آفتاب ایستاده دیدم که با صدای بلند به همه پرنده‌گانی که در میان آسمان به حال پرواز بودند می گفت: «بیایید و برای ضیافت بزرگ خدا جمع شوید و گوشت پادشاهان و فرماندهان و جنگاوران، گوشت اسبان و سواران آن‌ها، گوشت همه آدمیان از برده تا آزاد و از بزرگ تا کوچک را بخورید.» آن‌گاه آن حیوان وحشی و پادشاهان زمین و لشکریان آن‌ها را دیدم که جمع شده‌اند تا با اسب‌سوار و لشکریانش جنگ کنند ... لشکریان آن‌ها با شمشیری که از دهان اسب سوار بیرون آمد، به قتل رسیدند و همه پرنده‌گان از گوشت آنان سیر شدند. لشکریان آن‌ها با شمشیری که از دهان اسب

سوار بیرون آمد، به قتل رسیدند و همه پزندگان از گوشت آنان سیر شدند (مکاشفه ۱۹: ۱۱-۲۱).

## ۲-۲. دیدگاه اسلام

مهم‌ترین متن مقدس مسلمانان قرآن نامیده می‌شود و کتابی خطاناپذیر دانسته شده است (نجم، ۴). علاوه بر آن احادیث نقل شده از پیامبر و معصومین نیز پس از قرآن دومین متن مقدس مسلمانان شمرده می‌شود و این دو بدون یکدیگر اعتبار ندارند (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱: ۲۹۴). در متون مقدس اسلامی در باره امنیت غیرنظامیان در منازعات مسلحانه دستورهای صریحی وجود دارد از جمله:

### ۲-۲-۱. امنیت غیرنظامیان از دیدگاه متون مقدس و الهی دانان مسلمان

خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره، ۱۹۰)؛ و در راه خدا با کسانی که با شما می‌جنگند بجنگید، و [هنگام جنگ از مقررات و احکام آن که در قرآن و احکام دینی آمده] تجاوز نکنید که خدا متجاوزان را دوست ندارد. «طبق این آیه تنها اجازه کشتن کسانی داده شده که به ما حمله نظامی کردند و در حال کشتن و نبرد با ما هستند و کشتن هر فرد دیگری اعم از زنان و کودکان و غیرنظامیان مصادق اعتدا شناخته می‌شود. بسیاری از مفسران، کشتن کودکان از مصادیق سرکشی و «اعتدا» است که در قرآن به موجب آیه ۱۹۰ سوره بقره منع شده است (راوندی، ج ۱: ۳۳۱). ابن عباس و مجاهد از نخستین مفسران گفته‌اند: «نهی از اعتدا به منظور منع از کشتن کودکان وارد شده است» (طبرسی، ۱۳۳۹، ج ۱: ۲۵۸).

در قرآن مجید کینه‌توزترین دشمنان خدا (الذخام) را کسانی معرفی می‌کند که اگر مکتب یابند نسل انسان را نابود می‌کنند «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَهُوَ لِكَ الْحَرِثِ وَالنَّسْلِ وَاللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره، ۲۰۵). در این آیه به روشنی، شدت زشتی از بین بردن نسل انسانی بیان شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۵: ۳۴۸). در آیات

دیگری از زیاده‌روی در قتل و خونریزی نهی شده است «فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ» (اسراء، ۳۳). نسل‌کشی یکی از مصادیق زیاده‌روی در قتل است.

امیرالمومنین نیز به فرمانده سپاه خود می‌فرماید: «جز با کسی که با تو پیکار می‌کند، جنگ مکن» (نهج البلاغه، ۱۴۰۴ ق، نامه ۱۲).

پیامبر اکرم به سربازانشان قبل از اعزام برای دفاع در برابر هجمه دشمنان فرموده‌اند: «اقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ وَاسْتَحْيُوا شُيُوخَهُمْ وَصَبِيَّائَهُمْ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵: ۶۵ ح ۱۹۹۹۴)؛ «مشرکین را به قتل برسانید و پیران و کودکان آن‌ها را زنده نگه دارید». در جای دیگر ایشان می‌فرماید: «پیر فرتوت و از کار افتاده، کودک و زنی را نکشید.» (کلینی، ۱۳۸۸ ق، ج ۵: ۲۷). «نوجوان (فرد غیربالغ) را نکشید» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵: ۵۸، ح ۱۹۹۸۶). «در جنگ کسی را نکشید مگر آن که بالغ باشد» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۹۷: ۳۴ ح ۲۲؛ راوندی: ۲۳). امام صادق (از پیامبر اکرم) نقل می‌کند که ایشان فرمودند: «با نام خدا و با استعانت از خدا و در راه خدا و بر راه و روش رسول خدا حرکت کنید. از حدود الهی تجاوز نمایید، ... کودکی ... را نکشید» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵: ۵۸، ح ۱۹۹۸۵؛ طوسی، ۱۳۶۵ ق، ج ۶: ۱۳۸؛ کلینی، ۱۳۸۸ ق، ج ۵: ۲۷).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام اعزام نیرو به خیبر برای جنگ با یهود و در طول عملیات، از یارانش پرسیدند: «چه چیزی شما را به کشتن کودکان و اوستا می‌دارد؟» پاسخ دادند: «مگر کودکان مشرک زاده نیستند؟» حضرت فرمود: «مگر شما نیز مشرک زاده نیستند؟» (الصنعانی، ج ۵: ۲۰۲).

همچنین پیامبر فرمودند: «زنان و کودکان اگر از پرداخت جزیه امتناع کردند، کشتن‌شان جایز نیست. و چون قتل آن‌ها جایز نیست؛ بنابراین جزیه دادن از آن‌ها برداشته شده است» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۵: ۶۴، ح ۱۹۹۹۳).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «رسول خدا از کشتن زنان و فرزندان اهل کتاب در دارالحراب نهی کرد؛ مگر اینکه زنان هم با مسلمانان بجنگند که در این صورت کشتن آن‌ها جایز

است. البته اگر هم جنگیدند، در صورت امکان از کشتن آن‌ها درگذر» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱: ۴۸، ح ۱).

پیامبر ﷺ حتی با اهانت کنندگان به زنان برخورد می نمودند و آن‌ها را مجازات می کردند؛ پیامبر ﷺ شخصی به نام ماعع را که حرف‌های توهین آمیز به زنان سپاه دشمن می زد، توبیخ و وی را به نقطه‌ای دور از مدینه تبعید کرد (واقعی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۹۳۳).

علی (علیه السلام) سپاه خود را نه تنها از آزار جسمانی به زنان نهی کردند، بلکه از دشنام و بدگویی به آنان حتی به عنوان مقابله به مثل منع نمودند. ایشان فرمودند: «وزن‌ها را با اذیت و آزار به هیجان در نیاورید و لو اینکه آن‌ها آبروی شما را ببرند؛ و امیران شما را لعن و سب کنند؛ با زنان هیچ کار نداشته باشید چون زنان، هم از جهت قوای بدنی و هم از جهت عاطفی ضعیف‌اند. ما از طرف پیغمبر مأمور بودیم که از آنان دست برداریم، و آن‌ها را اذیت نکنیم و حرف زشتی نزنیم، در حالتی که آن‌ها مُشرک بودند. بگذارید زن‌ها به شما فحش دهند و حتی اگر به من که علی هستم سب و لعن کنند، به آن‌ها کاری نداشته باشید؛ بلکه کار خودتان را بکنید» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۱۴).

پس از جنگ جمل، صفیه مادر طلحه تا امام را دید با اهانت فریاد زد: «خدا! فرزندان تو را یتیم کند که فرزندانم را یتیم کردی.» حضرت اعتنایی نفرمود. او چندبار سخن و اهانت خود را تکرار کرد. یکی از همراهان امام (علیه السلام) خشمگین شد و به حضرت گفت: «یا امیرالمؤمنین! چرا پاسخش را نمی دهی؟» حضرت فرمود: «مگر خداوند به ما امر نکرده است که به زن‌ها تعرض نکنیم؛ اگر چه کافر باشند. پس چگونه می شود به زن‌های مسلمان تعرض کرد» (صلواتی، ۱۳۶۵: ۱۱۴).

حتی پیامبر اسلام نسبت به احساسات زنان دشمن احترام می گذاشت و هنگامی که محاصره دژ معروف خیبر با پیروزی مسلمانان به پایان رسید، دو زن یهودی به دست بلال به اسارت گرفته شدند و بلال که آن دو را به مرکز فرماندهی می برد، ناچار از میدان نبرد عبورشان داد. چون چشم زنان به اجساد بستگان خود افتاد، متاثر شدند و یکی از آنان فریادی دردآلود برآورد و شیون سر داد. پیامبر به دلیل این سهل انگاری، بلال را سخت

نکوهش کرد و فرمود: «مگر رحم از دلت رخت بر بسته است که این دوزن را از کنار جسد مردانشان عبور می دهی؟» (مجلسی، ۱۳۶۳، ج ۲۱: ۵).

در فرمان امیر المؤمنین (علیه السلام) به مالک اشتر آمده است: «از خونریزی ناروا سخت بپرهیز که آن نزدیکترین رفتار به خشم خداست و کیفر بزرگتر را در پی دارد و هم زمینه سازترین چیز برای زوال نعمت و سرنگونی است و خداوند در روز قیامت خود بر خون های به ناحق ریخته بندگان حکم می کند». (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ ق، خطبه ۵۳).

بر همین مبنا فقها نیز فتوا داده اند که کشتن کودکان در جنگ مشروع نیست شیخ طوسی می گوید: «کشتن زنان در جنگ مجاز نیست. گرچه به کمک همسران شان علیه مسلمانان بجنگند، مگر در صورت اضطرار» (طوسی، ۱۳۸۷ ق، ج ۲: ۱۳). ابن براج نیز معتقد است «زنان دشمنان را نمی توان کشت حتی اگر با همسرانشان در جنگ شرکت کنند و بجنگند مگر اینکه ضرورت جنگ چاره ای از کشتن آنها باقی نگذارد.» (قاضی ابن براج، ۱۴۰۶ ق، ج ۱: ۳۰۳).

علامه حلی نیز می فرماید: «کشتن زنان و کودکان و مجانین حتی اگر به دشمنان یاری برسانند جایز نیست» (علامه حلی، ۱۴۱۰ ق، ج ۱: ۳۴۴). محقق حلی می گوید: «کشتن کودکان هر چند در عرصه نبرد کمک رسانی کنند، ممنوع است» (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۱: ۲۸۳).

محقق کرکی صاحب کتاب «جامع المقاصد» معتقد است: «جایز نیست دیوانگان، کودکان و زنان اتباع دشمن را به قتل رساند؛ گرچه این عده دشمن را یاری می رسانند. همچنین خنثای مشکل (حتی اگر در پیشبرد جنگ مشارکت داشته باشد) کشته نمی شوند» (محقق کرکی، ۱۴۱۴ ق، ج ۳: ۳۸۵).

محقق کرکی در «جامع المقاصد» می نویسد: «جایز نیست دیوانگان، کودکان و زنان اتباع دشمن را به قتل رساند» (همان).

صاحب جواهر الکلام می‌نویسد: «کشتن زنان، کودکان، دیوانگان و نیز ناتوانان از جنگ، مانند افراد پیر، نابینا و زمین‌گیر در صورتی که از فکر و نظر آنان در جنگ استفاده نشود، حرام است، مگر در حال ضرورت، مانند آنکه کفار از وجود آنان به‌عنوان سپر استفاده کنند یا چیره شدن بر دشمن منوط به کشتن آن‌ها باشد» (نجفی، ۱۳۶۵ق، ج ۲۱: ۶۸ و ۷۳-۷۷). وی در ادامه می‌نویسد: «جایز نیست زنان دشمن کشته شوند، گرچه، دشمن را یاری رسانند، مگر در هنگام اضطرار و در این مسئله از هیچ‌یک از فقیهان، نظر مخالفی ندیده‌ام، بلکه علامه حلی درباره عدم جواز قتل زنان و کودکان دشمن حتی اگر در کار و زار نظامی هم شرکت داشته باشند، ادعای اجماع کرده است» (نجفی، ۱۳۶۵ق، ج ۲۱: ۷۳-۷۴). فقهای معاصر نیز مانند آیت الله خویی و آیت الله وحید نیز کشتن کودک را حرام می‌دانند (موسوی خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۱۸-۴۲۱). البته مشهور فقهای اهل سنت فتوا داده‌اند که در صورت مشارکت زنان و کودکان در جنگ، مصونیت آنان برداشته می‌شود (نووی، ۱۳۹۲ق، ج ۱۲: ۱۹۱). نووی گفته است: «اگر زنان در جنگ شرکت کنند به نظر اکثر فقها کشتن آنان مجاز است» (همان: ۴۸).

## ۲-۲-۲. تعامل با غیر نظامیان در جنگ‌های صدر اسلام

مبتنی بر همین دستورات در جنگ‌های صدر اسلام از جان زنان و کودکان حفاظت می‌شد در جنگ حنین به پیامبر خبر دادند که خالد بن ولید زنی را کشته است. رسول خدا به شخصی فرمودند که خود را به خالد برسان و بگو «رسول خدا تو را نهی کرده است از اینکه کودکی یا زنی شخص اجیر و بنده‌ای ضعیف را به قتل رسانی» (حمیری المعافری، ج ۲: ۳۰۱).

سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ، عدم تعرض به اماکن امن و مسکونی بوده است. در جنگ خیبر ناحیه‌ای به نام کتیبه وجود داشت که یهودیان خیبر آن مکان را برای اسکان دو هزار مرد و زن و بچه یهودی در نظر گرفته بودند که در جنگ دخالتی نداشتند، پیامبر صلی الله علیه و آله هم مردان و زنان و بچه‌ها را امان دادند (واقدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲: ۶۶۹).

همچنین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پایان یکی از جنگ‌ها دیدند که عده‌ای در کنار جنازه زنی اجتماع کردند. آن حضرت ضمن اطلاع از جریان کشته‌شدن آن زن، در مقام توییح و تخطئه عمل انجام شده فرمودند: «قطعا آن زن در حال جنگ نبوده است» (ابن کثیر، ۱۴۰۷ ق، ج ۴: ۳۳۷).

رعایت جان غیر نظامیان در سیره پیامبر ص چنان فراگیر بود که مشرکان مکه که سال‌ها مرکز فتنه‌انگیزی علیه مسلمانان بودند و چندین بار برای نابودی مسلمانان لشکرکشی کرده بودند و حتی در جنگ احزاب با قبایل دیگر همسو شده برای نابودی تمامی مسلمانان هم‌قسم شده بودند، پس از آنکه شهرشان به دست مسلمانان فتح شد، پیامبر اسلام دستور انتقام یا نسل‌کشی مشرکان را ندادند بلکه فرمودند «بروید همه شما آزادید» (کلینی، ۱۳۸۸ ق، ج ۳: ۵۱۲ - ۵۱۳، ح ۲).

حتی در داستان نبرد بنی قریظه با توجه به وجود جعل در داستان این غزوه به‌رغم نقل‌های مخدوشی که کشتن مردان نظامی بنی قریظه را نقل می‌کند (حمیری المعافری، ج ۳: ۲۳۳) ابن حجر عسقلانی نیز این داستان را انکار می‌کند و علت تضعیف ابن اسحاق از سوی مالک را نقل این‌گونه داستان‌ها می‌داند (ابن حجر، ۱۳۵۲ ق، ج ۹: ۳۹ - ۴۰). سایر محدثین معتبر اهل سنت از جمله بخاری و مسلم، گرچه داستان وقوع جنگ بنی قریظه را نقل کردند، ولی هیچ اشاره‌ای به کشتار گسترده پس از آن نکردند (p.88, Barakat, 1979). ولی با وجود این، هیچ مورخی سخن از تعرض به زنان و کودکان و غیر نظامیان نکرده است.

اهمیت حفظ امنیت غیرنظامیان چنان مورد توجه بوده که وقتی سپاه معاویه بعد از جنگ صفین به فرماندهی سفیان بن عوف غامدی به شهر انبار حمله کردند و زیورآلات زنی غیرمسلمان را از دست و گردن و گوش‌هایش کندنند و با خود بردند. چون خبر آن به حضرت علی علیه السلام رسید، به شدت ناراحت شد و در سخنرانی خود فرمود: «اگر مسلمانی از شنیدن این خبر از اندوه بمیرد نه تنها نباید سرزنش کرد که سزاوار این مرگ است» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ ق: خطبه ۲۷).

سیره حضرت علی (علیه السلام) نیز در جنگ‌ها در جهت حمایت از کودکان بود. او کودکان دشمنان را که به دست مسلمانان می‌افتادند آزاد می‌کرد و مخارج‌شان را تامین می‌نمود (کلینی، ۱۳۸۸ ق، ج ۶: ۱۸۱).

در جنگ‌هایی که خلفا بعد از پیامبر اسلام انجام دادند نیز از آن جهت که این جنگ‌ها نامشروع تلقی می‌شود و مورد تایید اهل البیت (علیهم السلام) نبوده است و لذا نمی‌توان رفتار جنگجویان عرب را رفتار اسلامی محسوب نمود امام علی (علیه السلام) نیز فرمودند کسانی که در این جنگ‌ها شرکت کنند، دشمن ما را در حبس حقوق ما و ریختن خون‌های ما یاری نموده و مرگشان، همچون مرگ دوران جاهلیت است» (ابن بابویه، ۱۳۸۵ ق: ۴۶۴). امام صادق (علیه السلام) فرمود: به درستی که آن شهرها به روش گمراهی گشوده شد (کشی، ۱۳۸۲: ۷: نقل ۱۴). از امام جواد (علیه السلام) وقتی می‌پرسند که آیا این فتوحات و کشورگشایی‌ها جزو جهاد است یا نه؟ حضرت به صراحت می‌فرماید که این‌ها جهاد نیست و امروز، جهاد، رفتن به حج و عمره و احیای سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در جامعه است (کلینی، ۱۳۸۸ ق، ج ۱: ۲۵۱). و لذا در این تحقیق از ذکر آن صرف نظر کردیم.

### ۳. نتیجه‌گیری

طبق داده‌های عهد عتیق در جنگ‌های مکتوب عهد عتیق در صورتی که طرف مقابل در خارج از سرزمین‌های موعود بود، کسی حق تعرض به غیر نظامیان را نداشت و صرفاً مردان جنگی کشته می‌شدند؛ اما اگر در داخل سرزمین‌های موعود بودند می‌باید تمامی مردان و زنان و کودکان کشته می‌شدند و مبتنی بر این دستور در دوران عهد عتیق در مجموع بیش از ۱۱۶ شهر و چندین لشکر و قلعه و قوم و قبیله توسط بنی اسرائیل قتل عام شدند و مردان و زنان و کودکان‌شان نابود شدند که آمار تقریبی کشته‌شدگان بیش از ۱۲ میلیون نفر تخمین زده می‌شود. الهی دانان مسیحی برخی هوگو گروتیوس جواز آسیب به غیر نظامیان در جنگ را صادر می‌کنند و برخی دیگر مانند فرانسیسکو ویتوریا با آن مخالف هستند.

(محمد صحاف کاشانی)

قرآن کریم به مسلمانان دستور می‌دهد تنها کسانی را که به جنگ شما آمدند بکشید و بیش از آن به کسی آسیب نرسانید. پیامبر گرامی اسلام هر گونه آسیب رساندن به غیرنظامیان در منازعات مسلحانه را ممنوع اعلام کرده و به سربازان‌شان قبل از اعزام به جهاد می‌فرمود: «طفل و نوجوان و راهب (کسی که در قلعه کوهی به تنهایی زندگی می‌کند) را نکشید، پیر فرتوت و از کار افتاده، کودک و زنی را نکشید.» و فقهای مسلمان نیز معتقدند در جنگ نمی‌توان به زنان آسیب رسانید مگر آنکه به اقدامات نظامی دست بزنند. در سیره نظامی پیامبر اگر سربازان مرتکب تخلف می‌شدند و به یک غیرنظامی آسیب می‌رساندند مورد توبیخ پیامبر قرار می‌گرفتند.

## منابع و مأخذ

- قرآن مجید. ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- کتاب مقدس. ترجمه هزاره نو.
- نهج البلاغه. (۱۴۱۴ق). قم: هجرت.
- ابن بابویه صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۶ق). علل الشرایع. قم: دارالحججه للثقافه.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. (۱۳۲۵ق). تهذیب التهذیب. بیروت: دارالصادر.
- ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر. (۱۴۰۷ق). البدایة والنهاية. بیروت دار الفکر.
- ابن هشام. (بی تا). السیرة النبویة. مصححین: مصطفی سقا، ابراهیم آیباری و عبدالحفیظ شلبی. بیروت: دارالمعرفه.
- امامی، مسعود؛ شوپای جویباری، رضاعلی. (۱۳۹۵)، دانشنامه اسلام و حقوق بین الملل بشردوستانه. تهران: میزان.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- حمیری المعافری، عبد الملك بن هشام. (۱۹۳۶م). السیرة النبویة. مصححین: مصطفی سقا، ابراهیم آیباری و عبدالحفیظ شلبی. قاهره: بی نا.
- راوندی، سید جلیل. (۱۳۷۶). النوادر. تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشانپور.
- راوندی، قطب الدین سعید بن عبدالله. (۱۴۰۵ق). فقه القرآن. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- رایشبرگ، گریگوری؛ سائیس، هنریک؛ بگبی، اندره. (۱۳۹۰). اخلاق جنگ. مترجم: عبدالرحیم گواهی. تهران: وزارت امور خارجه.
- صلواتی، محمود. (۱۳۶۵). خارج جیگری. تهران: نشر دانش.
- الصنعانی، ابی بکر عبدالرزاق بن همام. (بی تا). المصنف. حبیب الرحمن الأعظمی. هند: منشورات المجلسی العلمی - الهند.
- طبرسی، فضل بن الحسن. (۱۳۳۹). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: دارالمعارف الاسلامیه.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط فی فقه الإمامیه. مصحح: سیدمحمدتقی کشفی. تهران: المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۵ق). تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتب اسلامیه.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۰ق). إرشاد الأذهان إلی أحكام الإیمان (۲ جلد). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- قاضی ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز. (۱۴۰۶ق). المهذب. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کاشانی، محمد. (۱۳۹۸). تاریخ جنگ در متون مقدس اسلام و مسیحیت. قم: بوستان کتاب.
- کشی، محمد بن عمر. (۱۳۸۲). اختیار معرفه الرجال. تحقیق و تصحیح محمدتقی فاضل میبدی. سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۸۸ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- لطفی، عبدالرضا؛ اخگری بناب، نادر؛ فقهی، محمدرضا. (۱۳۸۸). بررسی تحقیقی حقوق بشردوستانه در منابع اسلامی و اسناد بین المللی: اشخاص مورد حمایت در مخاصمات مسلحانه. جلد ۱. تهران: هستی نما، با همکاری دبیرخانه دائمی اسلام و حقوق

بشردوستانه بین الملل.

- مجلسی محمد باقر. (۱۳۶۳). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار. تهران: دارالکتب اسلامیة.

- محقق حلی، نجم الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

- محقق کرکی، نورالدین علی بن حسین. (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).

- موسوی خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۰ق). منهاج الصالحین. قم: نشر مدینه العلم.

- نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۵ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- نووی، ابوزکریا محیی الدین یحیی بن شرف. (۱۳۹۲). المنهاج شرح صحیح مسلم بن الحجاج. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

- واقدی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ق). المغازی. بیروت: مؤسسه اعلمی.

## منابع انگلیسی

- Barakat, Ahmad. (1979). Muhammad and the Jews: a Re-examination, New Delhi. Vikas Publishing House for Indian Institute of Islamic studies.
- Cockayne, J. (2002). Islam and international humanitarian law: From a clash to a conversation between civilizations. *International Review of the Red Cross*,
- de Vitoria, Francisco. (1991). Political Writings. (Jeremy Lawrance trans. and Jeremy Lawrance and Anthony Pagden, Ed.). Cambridge University Press.
- Eyffinger, A. (2003). Christianity and International Humanitarian Law. *Sri Lanka J. Int'l L*
- Hernández Martín, Ramón. (1995). Francisco de Vitoria. Vida y pensamiento internacionalista. España: Madrid: BAE.
- Ibezim, E. (2021). Contributions of the Judeo-Christian Jurisprudence of War to International Humanitarian Law. *Journal on Contemporary Issues of Law*, -129, (10)7 152
- More ,Thomas. (2001). Utopia. Translation by Clarence Miller London. Yale University Press .